

## عناصر برنامه درسی پست مدرن در آموزش عالی ایران، مزایا و معایب آن

(مورد مطالعه: اعضای هیأت علمی دانشگاه تبریز)

### Elements of Postmodern Curriculum in Iranian Higher Education (A Case Study: Faculty Members of Tabriz University)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۹/۲۸، تاریخ ارزیابی: ۱۴۰۰/۲/۲۴، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۷/۲

 [20.1001.1.25382241.1402.14.27.12.4](https://doi.org/10.1001.1.25382241.1402.14.27.12.4)

Dr. M.Dehghani. K.Azarmi Bostan

مرضیه دهقانی، کریمه آزرمی بستان آباد<sup>۲</sup>

#### Abad

**Abstract:** The postmodern curriculum is an approach that focuses on differences, diversity and recognizing changes in the time, space, boundaries, and place in which one is socially and historically formed. The aim of this study was to investigate the elements of postmodern curriculum in Iranian higher education through a study at the University of Tabriz. This research was conducted with a qualitative approach in two phases. In the first phase, to answer the first question of the research, synthesis research was used and in the second phase, to answer the second and third questions, the phenomenological method of descriptive type was employed. The tool used in the second phase included a semi-structured interview. The sample was selected from the faculty members of Tabriz University by purposeful sampling. Themes obtained from the interviews including: fixed objectives, semi-flexible content, collaborative and project-based teaching-learning methods and combined evaluation showed that the elements of the postmodern curriculum have penetrated three elements of content, teaching-learning methods and evaluation in the Iran's higher education curriculum to some extent, but no significant impact was detected on the element of goals, and this element has retained its traditional form in higher education. Also, the themes of "pluralism, acceptance of skepticism about religion and ethics and absurdism" were introduced as disadvantages of postmodernism and "dissemination of cultures, attention to differences and cultivating a critical view" as benefits of postmodern influence in Iranian higher education curriculum. It seems that there is need for further studies in order to achieve a complete understanding of postmodernism and its curriculum. The practitioners should minimize the negative effects and consequences by understanding the hidden angles of the postmodern curriculum and its positive achievements.

**Keywords:** higher education, curriculum, postmodern, University of Tabriz

**چکیده:** برنامه درسی پست مدرنیسم رویکردی است که بر تفاوت و تنوع و شناخت تغییرات در زمان، فضا، مرزها و مکانی که شخص به طور اجتماعی و تاریخی در آن شکل می‌گیرد تمرکز زیادی دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی عناصر برنامه درسی پست مدرن در آموزش عالی ایران، با مطالعه‌ای در دانشگاه تبریز انجام گرفته است. این پژوهش با رویکرد کیفی و در دو بخش انجام گرفته است. در بخش اول برای پاسخ به سؤال اول پژوهش، از روش سنتز پژوهی و در بخش دوم برای پاسخ به سؤال دوم و سوم، از روش پدیدارشناسی از نوع توصیفی استفاده شده است. ابزار مورد استفاده در بخش دوم، مصاحبه نیمه ساختار یافته بود. نمونه مورد نظر از میان اعضای هیأت علمی دانشگاه تبریز و به شیوه هدفمند، با ملاک داشتن حداقل ۵ سال سابقه تدریس و همچنین اظهار تمایل برای شرکت در مصاحبه، انتخاب شده است. مضامین به دست آمده از مصاحبه‌ها شامل: اهداف ثابت، محتوای نیمه منعطف، روش‌های یاددهی-یادگیری مشارکتی و پروژه محور و ارزشیابی ترکیبی نشان می‌دهند که عناصر برنامه درسی پست مدرن در سه عنصر محتوا، روش‌های یاددهی-یادگیری و ارزشیابی در برنامه درسی آموزش عالی ایران، نسبتاً نفوذ کرده است ولی در عنصر اهداف، نفوذ محسوسی نداشته است و این عنصر در آموزش عالی، شکل سنتی خود را حفظ کرده است. همچنین مضامین "اکثرگرایی، پذیرش شکاکیت نسبت به دین و اخلاق و پوچ‌گرایی" به عنوان معایب پست مدرن و "اشاعه‌ی فرهنگ‌ها، توجه به تفاوت‌ها و پرورش نگاه انتقادی" به عنوان مزایای نفوذ پست مدرن در برنامه درسی آموزش عالی ایران معرفی شدند. به نظر می‌رسد هنوز درک و شناخت کاملی از پست مدرنیسم و برنامه درسی آن حاصل نشده است. بایستی با درک عمیق‌تر زوایای پنهان برنامه درسی پست مدرن و دستاوردهای مثبت آن، آثار و تبعات سوء آن را به حداقل رسانید.

**کلمات کلیدی:** آموزش عالی، برنامه درسی، پست مدرن، دانشگاه تبریز.

<sup>۱</sup> . عضو هیأت علمی گروه روش‌ها و برنامه‌های آموزشی و درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه

تهران. [Dehghani\\_m33@ut.ac.ir](mailto:Dehghani_m33@ut.ac.ir)

<sup>۲</sup> . دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

[Karimeh.azarmi@ut.ac.ir](mailto:Karimeh.azarmi@ut.ac.ir)

## مقدمه

پست مدرنیسم<sup>۱</sup> جنبش فکری گسترده‌ای است که رشته‌های مختلفی از هنر، معماری، ادبیات تا فلسفه، نظریه اجتماعی و سیاست را درنوردیده است که از دهه ۱۹۶۰ و به ویژه در جریان رویدادهای اواخر این دهه در اروپا و آمریکا شکل گرفت و همراه با جنبش‌های انتقادی اجتماعی و سیاسی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ گسترش یافته است (ربانی و بدری، ۱۳۸۷). درباره‌ی تاریخچه‌ی پست مدرنیسم بین اندیشمندان اختلاف نظر وجود دارد. به نظر برخی، از اواخر سده‌ی نوزدهم در حرکت عظیم مدرن‌سازی تردیدهایی پدیدار شد. مفهوم پست مدرنیسم را نخستین بار فدریکودی انیس<sup>۲</sup> در سال ۱۹۳۴ به کار برد و از آن در تشریح واکنش نسبت به نوگرایی استفاده کرد (دهبانی پور و خرم پور، ۱۳۹۵). از نظر برخی صاحب نظران مانند اسلاتری<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) درباره معنای پست مدرن ابهاماتی وجود دارد، اما آنچه مسلم است اینکه اندیشه مذکور بیانگر نوعی احساس سردرگمی انسان در عصر نوگرایی است (مرزوقی، ۱۳۹۵). به طور کلی به نظر می‌رسد که پست مدرن را نباید به عنوان یک مکتب فکری در نظر گرفت که دارای دیدگاهی منسجم و کامل و جامع درباره مسائل است، بلکه پست مدرنیسم یک نوع چرخش گفتمانی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نسبت به مسائلی است که در دوره مدرن به عنوان شیوه‌های تفکر و زندگانی مرسوم تلقی می‌شدند (کریدل<sup>۴</sup>، دایرة المعارف مطالعات برنامه درسی، ۲۰۱۰).

فرض اصلی پست مدرنیسم، عدم اعتقاد به کلیت یا فراروایت‌هاست (لیوتار<sup>۵</sup>، ۱۹۸۴). به طور کلی، فراروایت دامنه وسیعی از مفاهیم نظیر علم، عقل، رهایی و پیشرفت را دربر می‌گیرد که مدرنیسم به آنها بسیار اهمیت داده بود و با قائل شدن اقتدار مطلق برای آنها از یک سو موجبات دگرگونی‌های عظیم در جوامع مدرن را فراهم ساخته و از سوی دیگر، باعث پنهان کردن برخی واقعیت‌ها شده بود (آهنچیان، ۱۳۸۲). از ویژگی‌های نگاه پست مدرنیستی، تغییر مداوم دانش و نسبی بودن آن است (لیوتار، ۱۹۸۴). همچنین برای پست مدرنیست‌ها زبان بسیار مهم است و جایگزین عقل می‌شود (هارکین<sup>۶</sup>، ۱۹۹۸). تمایز یکی دیگر از مفاهیمی است که بسیار مورد تقدیس پست مدرنیسم قرار گرفته است. دان و کاسترو<sup>۷</sup> (۲۰۱۲) در تحقیق خود به این نتیجه

<sup>1</sup> Post-Modernism

<sup>2</sup> Federico Di Avnys

<sup>3</sup> Slattery

<sup>4</sup> Kridel

<sup>5</sup> Encyclopedia of Curriculum Studies

<sup>6</sup> Lyotard

<sup>7</sup> Harkin

<sup>8</sup> Dunn & Castro

دست یافته‌اند که قرار گرفتن در معرض تکنولوژی و عقاید مادی با تکثر و تعدد خود افراد در ارتباط است. پست مدرنیسم همچنین منجر به ظهور ارزش‌ها و سبک‌های جدید زندگی می‌شود و مستلزم تحمل انتخاب‌های قومی، فرهنگی، جنسی و فردی در مورد نحوه زندگی، بر اساس تأکید بر حقوق فردی است (لیندستروم، ۲۰۲۰). طرفداران پست مدرنیسم بر این باورند که چون میان انسان‌ها از لحاظ وضعیت ظاهری، اجتماعی، اعتقادی و اقتصادی تفاوت وجود دارد، باید به تمایز میان آنان ارج نهاد. همچنین از آنجا که پست مدرنیسم بر شنیدن صدای دیگری بسیار تأکید دارد با تسلط یک فرهنگ بر جامعه مخالف است (وفائی، ملکی و علیپور، ۱۳۹۶).

متفکران پست مدرن در حوزه برنامه درسی نظریه افرادی چون تایلر، شواب و بلوم را مورد انتقاد قرار داده‌اند. آنها معتقدند که برنامه درسی باید به دنبال نوعی تربیت تحولی باشد که موجب شود معلمان و دانش آموزان در سفری اکتشافی به بررسی مسائل بپردازند (پاینار، ۱۹۹۶). متفکران پست مدرنیست معتقدند که برنامه درسی باید از حالت انحصاری و متمرکز خارج شود تا بتوان صدهای مختلف و غالباً فراموش شده را هم شنید، بنابراین از نظر این عده برنامه درسی باید منعطف، سازگار و مشارکتی باشد (مک گریگور، ۱۹۹۲). برنامه درسی پست مدرنیسم رویکردی است که بر تفاوت و تنوع و شناخت تغییرات در زمان، فضا، مرزها و مکانی که شخص به طور اجتماعی و تاریخی در آن شکل می‌گیرد تمرکز زیادی دارد (مک دونالد، ۲۰۰۳). وفائی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که تعاملات پیچیده، تغییرات مداوم و چهارچوب‌های کل‌گرایانه از ویژگی‌های برنامه درسی پست مدرن است و حامیان پست مدرن، برنامه درسی را به لحاظ هدف، محتوا، روش و ارزشیابی متغیر می‌دانند.

آموزش عالی محور توسعه و موتور حرکت و تحول در جوامع مختلف است. چرا که آموزش عالی کانون اصلی تربیت نیروی انسانی متخصص و آموزش دیده است که می‌تواند با برخورداری از ایده‌ها و اندیشه‌های نو در هر لحظه در شریان‌های حیاتی حرکت رو به رشد جامعه، بالقوگی نوینی را تزریق نماید. از این‌رو نظام آموزش عالی طراح اصلی و بنیان‌افکن چهارچوب اساسی برنامه ریزی رشد و پیشرفت جامعه محسوب می‌شود. برنامه‌های درسی از جمله مهمترین عناصر آموزش عالی هستند که بایستی از تناسب لازم در راستای اهداف و وظایف و تحولات مربوطه برخوردار بوده تا بتواند نقش مؤثر خود را ایجاد کند (شکاری، احمدآرانی و فتاحی، ۱۳۹۳).

---

<sup>1</sup> Lindstrom

<sup>2</sup> Tyler, Schwab and Bloom

<sup>3</sup> Pinar

<sup>4</sup> MacGregor

<sup>5</sup> Macdonald

آنچه از شواهد برمی آید حاکی از آن است که برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها بر اساس نیازها و مسائل واقعی متحول نمی‌شوند و پاسخ‌گوی تغییر و تحولات موجود در جامعه و بازار کار نیستند؛ بنابراین باید برنامه درسی را همگام و همپای تحولات و دستاوردهای جدید دانش بشری تدوین و تنظیم نمود و پیوسته آن را به روز و به هنگام نگه داشت تا بتواند عرضه کننده دانش و تخصص مورد قبول به نسل جوان کشورها و عامل رشد و توسعه ملت‌ها باشد (سهرابی، زینلی‌پور، همتی و سماوی، ۱۴۰۰). دانشگاه قرن بیست و یکم که به طور فزاینده‌ای تحت تسلط مباحث حرفه‌ای قرار دارد و هنوز هم بر علوم، مهندسی و ریاضیات متمرکز است، به نظر می‌رسد با بازی‌های ساختارشکن و توجه به تفاوت‌های فردی که از مشخصه‌های پست مدرن است، ارتباط چندانی ندارد. ولی ابزارهایی که بر سیستم آموزش عالی معاصر حاکم است، مانند پست مدرن نسبت به مطلق و جهانی بودن دانش، شک و تردید دارد. همچنین بسیاری از رشته‌های حرفه‌ای در دانشگاه که ریشه‌های فکری آنها را در علوم اجتماعی می‌توان یافت، ناخواسته از پست مدرنیسم تأثیر گرفته‌اند (اسکات، ۲۰۱۲).

بازتاب تفکر پست مدرن در نظام آموزش عالی، گرامی‌داشت و ارج نهادن به تمایزهای اقلیت-های قومی، نژادی و جنسیتی است که به طور جدی از آن در قالب تعلیم و تربیت چند فرهنگ-گرا حمایت می‌کند. در چنین تعلیم و تربیتی با تمرکززدایی و کاستن نفوذ دولت بر تشکیلات آموزشی راه برای برنامه‌ریزی و انتخاب هدف، محتوی، روش و ساختارهای متناسب با آداب و رسوم و زبان خرده فرهنگ‌ها هموار می‌شود. به عبارت دیگر، با آهسته شدن صدای فرهنگ مسلط، صدای خرده فرهنگ‌ها در نظام آموزشی بیشتر به گوش می‌رسد (کریمی، نادری و نراقی، ۱۳۹۶). به طور ضمنی، موسسات آموزش عالی، می‌بایست در مقابل آنچه که لیوتار تحت عنوان وضعیت و شرایط پست مدرن نامیده است، پاسخگو باشند (راشک، ۲۰۰۳، به نقل از بانوبهای، ۲۰۱۲).

به نظر می‌رسد در عصر تغییر و تحولات بی‌مرز، توجه به پست مدرن و عناصر برنامه درسی آن که حامی تکثرگرایی و انعطاف پذیری است، ضرورت دارد. اسکات (۲۰۱۲) در پژوهشی دریافت که عناصر پست مدرن به آرامی در دانشگاه، تدریس، پژوهش و مدیریت دانشگاهی در حال نفوذ است. از آنجا که دانشگاه موتور اصلی تحولات جامعه‌ی حاضر بوده و خود نیز با این تحولات شکل می‌گیرد و به نظر می‌رسد دانشجویان بیش از سایر افراد، تحت تأثیر جهانی شدن و رسانه‌های ارتباط جمعی - که نقش بسیار مهمی در ورود عناصر پست مدرنیسم به جامعه ما ایفا می‌کنند- قرار دارند لذا مطالعه‌ی برنامه درسی دانشگاهی و ارتباط آن با برنامه درسی پست

<sup>1</sup> Scott

<sup>2</sup> Rushk

<sup>3</sup> Banoobhai

عناصر برنامه درسی پست مدرن در آموزش عالی...

مدرن ضروری به نظر می‌رسد. با وجود این، پژوهش زیادی در این زمینه به خصوص در ایران انجام نگرفته است.

بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی برنامه درسی پست مدرن در آموزش عالی ایران در پی پاسخ به این سؤالات است که اول: عناصر برنامه درسی پست مدرن کدامند؟ دوم: آیا این عناصر از نظر هیأت علمی دانشگاه تبریز در برنامه درسی آموزش عالی ایران نفوذ داشته است؟ و سوم: در صورت نفوذ عناصر برنامه درسی پست مدرن در دانشگاه‌های ایران، این نفوذ، از نظر هیأت علمی دانشگاه تبریز، چه مزایا و چه معایبی به دنبال دارد؟ برای پاسخ به سؤال اول، از روش سنتز پژوهی استفاده می‌شود تا با کمک تحقیقات انجام گرفته قبلی در این زمینه، عناصر برنامه درسی پست مدرن مشخص گردد. سپس برای پاسخ به پرسش دوم و سوم از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده گردیده است تا با بررسی نظرات اعضای هیأت علمی دانشگاه تبریز، میزان نفوذ یا عدم نفوذ این عناصر در برنامه درسی آموزش عالی ایران تعیین گردد و نیز پژوهشگر سعی کرده است که مزایا و معایب نفوذ عناصر برنامه درسی پست مدرن در دانشگاه ایرانی را از نظر هیأت علمی دانشگاه تبریز، در چند مقوله کلی خلاصه کند که این امر در بین پژوهش‌های انجام شده، تا کنون، نادر است. انتظار می‌رود که استادان، مدرسان، صاحب نظران آموزشی و متخصصان برنامه درسی با عنایت به نتایج این پژوهش و پژوهش‌های مشابه با اصلاحات احتمالی در برنامه درسی به غنی‌تر شدن و بهتر شدن برنامه درسی آموزش عالی کمک کنند.

## روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و در دو بخش انجام گرفته است. در بخش اول برای پاسخ به سؤال اول پژوهش، از روش سنتز پژوهی<sup>۱</sup> و در بخش دوم برای پاسخ به سؤال دوم و سوم، از روش پدیدارشناسی از نوع توصیفی استفاده شده است.

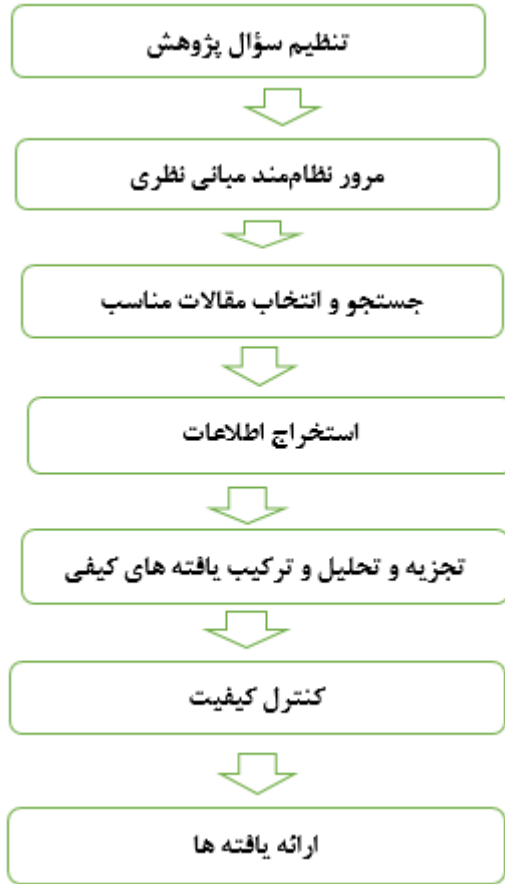
**بخش اول پژوهش:** هدف سنتز پژوهی این است که پژوهش‌های تجربی را به منظور خلق تعمیم‌ها، ترکیب کند. سنتز پژوهی به نظریه‌های مربوط توجه دارد، پژوهشی را که پوشش می‌دهد به طور منتقدانه تحلیل می‌کند و سعی دارد با حل تعارضات موجود در ادبیات پژوهش، موضوعات اصلی را برای پژوهش‌های آینده مشخص نماید (کوپر و هدگز، ۲۰۰۹). چون قبلاً در پژوهش‌های گسترده‌ای، عناصر برنامه درسی پست مدرن مورد بررسی قرار گرفته است برای اینکه پژوهشگر به صورت جامع و نظام‌مند یک بازنگری دقیق و عمیق انجام دهد، از این روش

---

<sup>1</sup> The research synthesis

<sup>2</sup> Cooper & Hedges

استفاده شده است. برای سنتز پژوهی در این پژوهش، از روش هفت مرحله‌ای باروسو و ساندوسکی (۲۰۰۷) استفاده شد. خلاصه این مراحل در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱: گام‌های سنتز پژوهی

مطابق این روش، پس از تنظیم سؤال پژوهش، ادبیات به شکل نظام‌مند بررسی شد و تعدادی از منابع انتخاب گردید. در ادامه، بررسی بیشتر و عمیق‌تر روی منابع صورت گرفته و اطلاعات لازم از منابع یاد شده استخراج گردید. سپس اطلاعات استخراج شده، مورد تجزیه و

<sup>1</sup> Sandelowski and Barroso

تحلیل قرار گرفته و در نهایت با کنترل کیفیت، یافته ها ارائه شد. در بخش یافته‌ها، تمام گام‌های سنترپژوهی به ترتیب، اجرا و نتایج آن آورده شده است.

**بخش دوم پژوهش:** بخش دوم پژوهش با روش پدیدارشناسی و به صورت مصاحبه انجام گرفته است. میدان مورد پژوهش در بخش دوم، اعضای هیأت علمی دانشگاه تبریز بوده و نمونه گیری به شیوهی هدفمند و تا رسیدن به حد اشباع انجام گرفت. ملاک انتخاب نمونه‌ها اساتیدی بودند که اولاً حداقل پنج سال سابقه تدریس داشتند، دوماً برای شرکت در مصاحبه اظهار تمایل کرده بودند و تا اتمام مصاحبه با پژوهشگر همکاری داشته‌اند.

ابزار مورد استفاده در این بخش، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود که پروتکل آن قبل از انجام مصاحبه‌ها تدوین و سؤالات مصاحبه مورد تأیید دو نفر از اساتید این حوزه، قرار گرفت. البته این سؤالات کلی بوده و با توجه به روند هر مصاحبه تغییراتی در آنها اعمال شد. برای حصول اطمینان از اعتبار پژوهش نیز، معیارهای چهارگانه معرفی شده توسط گوبا و لینکلن (۱۹۹۴)، شامل اعتبار<sup>۱</sup>، انتقال پذیری<sup>۲</sup>، اطمینان پذیری<sup>۳</sup> و تأیید پذیری<sup>۴</sup> مورد استفاده قرار گرفته اند. پژوهشگر با جمع آوری اطلاعات معتبر از مصاحبه‌ها و تأیید اطلاعات توسط مشارکت کنندگان، تلاش بر افزودن اعتبار تحقیق نمود. تکرار گام به گام جمع آوری و تحلیل داده‌ها و بهره گیری از بازبینی توسط اساتید راهنما، مشاور و صاحب نظر، جهت افزایش قابلیت اطمینان داده‌ها صورت پذیرفت. جهت افزایش معیار تأیید پذیری داده‌ها، از تأیید اساتید دانشگاه و نظرات تکمیلی آنان بهره گرفته شد. قابلیت انتقال مطالعه، با تلاش جهت ارائه توصیف غنی از گزارش تحقیق، به منظور ارزیابی و قابلیت کاربرد تحقیق در سایر زمینه‌ها، صورت پذیرفت.

تمامی مصاحبه‌ها در یک اتاق آرام و در جوی دوستانه برگزار شد. ابتدا پژوهشگر با معرفی خود و پژوهش مربوطه، به مصاحبه شونده اطمینان داد که نتایج این مصاحبه فقط برای انجام پژوهش مورد نظر بوده و هیچ مشکلی برای او نخواهد داشت. سپس با کسب اجازه از او برای ضبط صدا، مصاحبه شروع شد. هر مصاحبه حدود ۴۰-۵۰ دقیقه به طول انجامید. پس از انجام هر مصاحبه داده‌ها بر روی کاغذ پیاده شدند و پس از تجزیه و تحلیل هر مصاحبه، مصاحبه‌ی بعدی انجام شد. همچنین در طول مصاحبه، از به‌کار بردن لغات نامفهوم و بیگانه (از نظر مصاحبه شونده‌گان)، خودداری شد. پژوهشگر همواره سعی در حفظ ارتباط متقابل در طول

---

<sup>1</sup> Guba & Lincoln

<sup>2</sup> Credibility

<sup>3</sup> Transferability

<sup>4</sup> Dependability

<sup>5</sup> Confirmability

مصاحبه داشته و از یک موضوع دیگر پریدن، جلوگیری می‌کرد. پژوهشگر در فرآیند تحقیق، سعی کرده است تا نظرات شخصی خود را بر مصاحبه شوندگان تحمیل نکند. پژوهشگر پس از انجام هشت مصاحبه به اشباع رسید ولی دو مصاحبه دیگر نیز برای اطمینان انجام گرفت. برای تجزیه و تحلیل متن مصاحبه‌ها، از روش کدگذاری ۷ مرحله‌ای کلایزی استفاده شد که شامل خواندن یافته‌های مهم و هم‌احساس شدن با افراد شرکت‌کننده، دادن مفاهیم خاص به جملات استخراج‌شده، دسته‌بندی مفاهیم به دست آمده، رجوع به مطالب اصلی و مقایسه داده‌ها، توصیف پدیده مورد مطالعه و در نهایت بازگرداندن توصیف پدیده‌ها به شرکت‌کنندگان جهت بررسی اعتمادپذیری نتایج به دست آمده، است.

## یافته‌ها

**بخش اول:** در **مرحله اول** سنتزپژوهی، سؤال پژوهش مطرح می‌شود که در پژوهش حاضر به سؤال "عناصر برنامه درسی پست مدرن کدامند؟" پاسخ داده می‌شود.

**مرحله دوم** شامل مرور ادبیات پژوهش می‌باشد. در این مرحله به منظور گردآوری منابع، ابتدا کلید واژه‌های فارسی پست مدرنیسم، برنامه درسی پست مدرن، برنامه درسی آموزش عالی و عناصر پست مدرنیسم و نیز واژه‌های انگلیسی Postmodernism, Elements of University curriculum, و Postmodern curriculum مورد توجه قرار گرفت. در این راستا منابع پایگاه‌های اینترنتی فارسی Mag Iran, SID, Noor mags, Iran doc و پایگاه‌های انگلیسی Elsevier, Eric, ScienceDirect مورد استفاده قرار گرفت. پژوهش‌های خارجی مربوط به سال ۱۹۹۰ و پس از آن و در مورد پژوهش‌های داخلی، تحقیقات مربوط به سال ۱۳۸۰ و پس از آن مورد نظر محقق بوده‌اند. در مجموع ۲۴۰ مقاله، پایان‌نامه و کتاب نمایان شد.

در **مرحله سوم**، جستجو و انتخاب متون مناسب انجام می‌گیرد. بدین ترتیب که پس از بررسی عنوان مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها و کتب نمایان شده، با توجه به ثبت آنها در پایگاه معتبر، نوع مطالعه‌ی انجام شده، مرتبط بودن با پست مدرن و عناصر آن و نیز تکراری نبودن و داشتن کیفیت لازم، ۴۰ عنوان حذف و ۲۰۰ عنوان انتخاب شدند. در مرحله بعد، چکیده‌ی منابع مورد مطالعه قرار گرفت که در پایان ۱۲۰ مورد ریزش و ۸۰ منبع انتخاب شد. پس از مطالعه کامل محتوا، ۳۰ مورد دیگر حذف و ۵۰ منبع مناسب با پژوهش حاضر انتخاب گردید.

**مرحله چهارم** شامل استخراج اطلاعات از متون است. در این گام مقالات و کتب منتخب، در راستای پاسخ به سؤال پژوهش، چندین بار مطالعه و از محتوای آن‌ها عناصر برنامه درسی پست مدرن استخراج شد و این عناصر کدگذاری شدند.



عناصر برنامه درسی پست مدرن در آموزش عالی...

در **مرحله‌ی پنجم**، تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی انجام می‌گیرد. در گام چهارم تمام عناصر برنامه درسی پست مدرن، استخراج شده از مطالعات، به عنوان کد در نظر گرفته شد. در این گام، با در نظر گرفتن مفهوم هر یک از عناصر برنامه درسی پست مدرن، کدهای مشابه در یک مفهوم دسته بندی شدند. به این ترتیب مفاهیم (تم-های) پژوهش شکل یافتند.

**مرحله‌ی ششم** کنترل کیفیت می‌باشد. محقق هر دو راهکار جستجوی الکترونیک و دستی را به کار برده است تا مقالات مربوطه را پیدا کند. همه متون انتخاب شده با توجه به زمان انتشار و نام نویسندگان و اعتبار مجلات و پایگاه‌های علمی و نیز مرتبط بودن با سؤال پژوهش بوده است.

**مرحله‌ی هفتم** به ارائه یافته‌ها می‌پردازد. در نهایت از ترکیب مفاهیم (تم‌ها)، ۴ مقوله اصلی و ۳۷ مقوله فرعی به دست آمد که در جدول زیر آمده است. از ۳۷ مقوله‌ی فرعی به دست آمده، ۱۳ مقوله‌ی فرعی مربوط به اهداف پست مدرن، ۷ مقوله مربوط به محتوای برنامه درسی پست مدرن، ۱۲ مقوله مربوط به عنصر روش یاددهی-یادگیری در پست مدرن و ۵ مقوله نیز مربوط به ارزشیابی به شیوه‌ی پست مدرن است.

جدول شماره ۱: عناصر برنامه درسی پست مدرن

عناصر برنامه درسی	برگرفته از پژوهش	ویژگی‌های عناصر برنامه درسی پست مدرن
اهداف	فرخانی (۲۰۱۳)، لیوتار (۱۹۸۴)، آرونویتس و ژيرو (۱۹۹۱)، خالقی نژاد (۱۳۹۵)، وفائی، ملکی و علیپور (۱۳۹۶)، فرمهینی (۱۳۸۹).	دستیابی به خود آفرینندگی، تربیت شهروند انتقادی، ایجاد شرایط برقراری دموکراسی، تأکید بر گفتمان دانش، بها دادن به دانش عملی، توجه به فرهنگ عمومی، مطالعات فرهنگی، توجه به تفاوت‌ها، اهداف موقعیتی، زمانی و مکانی، توجه به مهارت‌های اطلاعاتی و ارتباطی، توجه به مهارت‌های خودهدایتی، بهبود هویت اجتماعی و هویت فردی یادگیرندگان.
محتوا	فانی (۲۰۰۷)، قادری (۲۰۱۰)، مک گرگور (۱۹۹۲)، وستبری (۲۰۱۵)، نادراگ (۲۰۱۵)، فرمهینی (۱۳۸۹)، آهنچیان	محتوا باید باعث ساخت دانش با همکاری فراگیر و مربی شود، نگرشی چند گانه از یک دانش خاص را ارائه دهد، محتوا باید افراد را در فرایند رشد و شدن قرار دهد، محتوای برتر و ثابت وجود ندارد، محتوا باید به روش‌های مختلف طراحی شود و مهارت حل مسئله را در فراگیران افزایش دهد، محتوا شامل تجارب سودمندی

عناصر برنامه درسی	برگرفته از پژوهش	ویژگی های عناصر برنامه درسی پست مدرن
	(۱۳۸۲).	است که با توجه به نیازها و علایق فراگیران و از میان تجارب خود آنان انتخاب می شود.
روش یاددهی - یادگیری	چیرالدلی (۲۰۱۲)، پارکر (۲۰۱۶)، مک گرگور (۱۹۹۲)، لیوتار (۱۹۸۴)، فرمهینی (۱۳۸۹)، وفایی و همکاران (۱۳۹۶).	روش های یاددهی-یادگیری مبتنی بر گفتمان و تکثرگرایی است. روش ها بر رشد خلاقیت و حس زیبایی شناختی تأکید دارد. غیر اقتدارگرا بوده و موقعیت مدار است. روش ثابت و تعیین شده ای وجود ندارد. روش هایی مانند یادگیری ساخت شکنی، یادگیری دانش عملی، یادگیری مشارکتی و گروهی، یادگیری انتقادی، یادگیری چندگانه، یادگیری رسانه ای و روش متن نگری مورد تأکید بیشتر پست مدرنیست است.
ارزشیابی	مک گرگور (۱۹۹۲)، وستبری (۲۰۱۵)، نادراگ (۲۰۱۵)، فرخانی (۲۰۱۳)، شاهین (۲۰۰۹)، فرمهینی (۱۳۸۹).	مفهوم نمره و امتحان در پست مدرن جایی ندارد. از معیارهای کیفی استفاده می شود. از ملاک و معیارهای درونی مانند مقایسه عملکرد فرد با استعدادها و توانایی های خود و خودارزیابی استفاده می شود. ارزیابی همگروه ها مورد توجه است. یادگیری تا جایی که یادگیرنده بخواهد، ادامه می یابد.

**بخش دوم:** با توجه به اینکه پژوهشگر در پاسخ به سؤال اول پژوهش، چهار عنصر اهداف، محتوا، روش یاددهی-یادگیری و ارزشیابی را مورد نظر قرار داده است در پاسخ به سؤال دوم نیز، سعی شده است تا این چهار عنصر در برنامه درسی آموزش عالی ایران مورد بررسی قرار گیرد. پس از تجزیه و تحلیل داده های حاصل از مصاحبه ها، ابتدا با استفاده از کدگذاری باز و سپس با کدگذاری محوری، پژوهشگر در نهایت به ۴ مقوله ی اصلی و ۱۳ مقوله ی فرعی به شرح زیر دست یافت.

جدول شماره ۲: عناصر برنامه درسی در دانشگاه تبریز

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
اهداف تعیین شده	بی‌توجهی به موقعیت و زمان، عدم توجه به تفاوت‌های فردی و فرهنگی، بی‌توجهی به خلاقیت و پرورش تفکر انتقادی
محتوای نیمه منعطف	وجود محتوای برتر، منابع متنوع و به‌روز، توجه به نیازهای دانشجویان، عینیت دانش
روش‌های مشارکتی و پروژه‌محور	کار میدانی، تدریس توسط همشاگردی‌ها، فنون مبتنی بر فناوری‌ها
ارزشیابی ترکیبی	توجه به فرآیند بیش از نتیجه، ارزیابی کمی، ارزیابی کیفی

۱- **اهداف تعیین شده:** با توجه به داده‌های گردآوری شده از مصاحبه‌ها، اهدافی که در برنامه درسی دانشگاه دنبال می‌شود، اهدافی از قبل تعیین شده و غیر قابل انعطاف هستند. این مقوله‌ی کلی در قالب سه مقوله‌ی فرعی با عناوین "بی‌توجهی به موقعیت و زمان، عدم توجه به تفاوت‌های فردی و فرهنگی، بی‌توجهی به خلاقیت و پرورش تفکر انتقادی" مطرح شده است. بی‌توجهی به تفاوت‌های فرهنگی و فردی، کم‌توجهی به رشد تفکر انتقادی و خلاقیت در دانشجویان، بی‌توجهی به موقعیت مکانی و زمانی در انتخاب اهداف و در نهایت داشتن اهدافی ثابت، غیرمنعطف و از قبل تعیین‌شده، نشان می‌دهد که اهداف پست مدرن در برنامه درسی دانشگاه نفوذ نکرده است. چند نمونه از نقل قول مصاحبه‌شوندگان در این رابطه مطرح می‌شود.

"اهدافی که در برنامه درسی دانشگاه دنبال می‌شود، اغلب از قبل مشخص و تعیین شده است. اساتید و دانشجویان نقشی در تعیین اهداف ندارند. به خصوص در دوره کارشناسی، اهداف کاملاً برنامه‌ریزی شده هستند و ما فقط مجری آن هستیم ولی در دوره دکتری شاید بتوان کمی انعطاف در اهداف دید. اما در کل همه این اهداف بی‌توجه به موقعیت و زمان کنونی تنظیم شده‌اند" (عضو هیأت علمی شماره ۳).

"نکته مهم آن است که کشور عزیز ما ایران، از اقوام، ادیان، مذاهب و مردم گوناگونی تشکیل یافته است دولتمردان بهتر است فرصت‌های برابری را در اختیار همگان به ویژه مناطق محروم قرار دهند تا موفق و بالنده شوند. ضمناً در مطالعاتم به این نتیجه رسیدم که جامعه‌ای در آموزش، موفق است که شاد و پر نشاط باشد. شادی و آزادی، پیش‌نیاز رشد و خلاقیت فردی است. باید زمینه‌هایی فراهم شود که دانشجویان شور و شوقی پیدا کنند. در این نظام آموزش دانشگاهی، کمتر به کشف و پرورش استعدادها توجه می‌شود، کمتر به قابلیت‌ها و پرورش

ذهنی توجه می شود. فرصت کمتری برای تفکر، نقادی و اندیشیدن وجود دارد" (عضو هیأت علمی شماره ۵).

**۲- محتوای نیمه منعطف:** مقوله‌ی کلی محتوای نیمه منعطف در قالب چهار مقوله‌ی فرعی "وجود محتوای برتر، منابع متنوع و به‌روز، توجه به نیازهای دانشجویان و عینیت دانش" شناسایی شده است. از داده‌های به دست آمده چنین استنباط می شود که محتوای تدریس شده در دانشگاه، نیمه منعطف می باشد. با وجود اینکه یک چارچوب کلی و محتوای برتر وجود دارد ولی استفاده از کتب و منابع متفاوت و توجه به نیازها و علایق دانشجویان در انتخاب محتوا، آن را نیمه منعطف کرده است. این در حالیست که در محتوای برنامه درسی دانشگاه، هنوز دانش عینی است و تفاوت دیدگاه‌ها، فرهنگ‌ها، موقعیت‌ها و ارزش‌ها نمی‌تواند در آن تغییری ایجاد کند. بنابراین می‌توان چنین گفت که پست مدرن با دو مقوله‌ی فرعی منابع متنوع و به‌روز و توجه به نیازهای دانشجویان توانسته است در برنامه درسی دانشگاه نفوذ کند ولی دو مقوله‌ی فرعی دیگر با عناوین وجود محتوای برتر و عینیت دانش، هنوز شکل سنتی را در محتوای برنامه درسی دانشگاه حفظ کرده است. دو نقل قول از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه آورده شده است. "از ابتدای ورود دانشجویان، ما آنها را با بسته‌هایی از دانش ذخیره شده، کتاب و مقاله روبه رو می کنیم. در نتیجه فرهنگ پرسشگری، کنجکاوی و مشکل‌گشایی در بین آنها پرورش پیدا نمی‌کند" (عضو هیأت علمی شماره ۴).

"ویژگی آموزش عالی نسبت به مدارس در همین نکته نهفته است که منابع کاملاً مشخص و قاطعی وجود ندارد. یک چارچوب کلی برای محتوای تدریس شده و عنوان موضوعات وجود دارد و معمولاً دست اساتید برای انتخاب منابع باز گذاشته می شود. خوب البته به نظر می رسد که در انتخاب محتوای تدریس شده در رشته‌های مختلف به نیازهای فراگیر و جامعه توجه شده است هر چند هنوز جای کار بسیار وجود دارد" (عضو هیأت علمی شماره ۷).

**۳- روش‌های مشارکتی و پروژه محور:** این مقوله‌ی کلی در قالب مقوله‌های کار میدانی، تدریس توسط همشاگردی‌ها و فنون مبتنی بر فناوری‌ها مطرح شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که روش‌های یاددهی-یادگیری استفاده‌شده در آموزش عالی، روش‌هایی مشارکتی و پروژه‌محور هستند. کاربرد روش‌های میدانی، فنون مبتنی بر فناوری‌ها و تدریس توسط همکلاسی‌ها در کلاس‌های درسی دانشگاه، نشان‌دهنده‌ی این مطلب است که روش‌های یاددهی-یادگیری پست مدرن در برنامه‌ی درسی آموزش عالی نفوذ کرده است. در زیر دو مورد از نقل قول مصاحبه‌شوندگان در این رابطه آمده است.

"دانشگاه باید محلی برای آماده سازی دانشجو برای ورود به بازار کار و اقتصاد جامعه باشد بنابراین نباید دانشگاه مانند مدرسه به آموزش تئوریک و امتحان کتبی بسنده کند. اکثراً روش‌هایی که در کلاس استفاده می کنیم روش‌هایی است که دانشجو را شخصاً وارد کار

عناصر برنامه درسی پست مدرن در آموزش عالی...

میدانی می کند و خلاقیت و تسلط به مهارت های پژوهشی حرف اول را می زند" (عضو هیأت علمی شماره ۲).

"تدریس در کلاس های دانشگاه به خصوص در دوره های ارشد و دکتری، اصولاً معنی قدیمی خود را از دست می دهد. تدریس در این دوره ها کاملاً مشارکتی بوده و حتی بیشترین قسمت کار دست دانشجویان است. اساتید بیشتر نقش تسهیل کننده را دارند و ارائه دروس توسط دانشجویان و با کمک پروژه های آنان انجام می گیرد" (عضو هیأت علمی شماره ۴).

۴- **ارزشیابی ترکیبی:** چهارمین مقوله ی کلی به دست آمده "ارزشیابی ترکیبی" می باشد که در قالب مقوله های فرعی "توجه به فرآیند بیش از نتیجه، ارزیابی های کمی و ارزیابی های کیفی" مطرح شده است. به نظر می رسد در آموزش عالی و کلاس های درس دانشگاه، ارزشیابی، به صورت ترکیبی از روش های مختلف می باشد. بررسی داده های حاصل از مصاحبه ها نشان دادند که در آموزش عالی ایران، هم از ارزیابی های کمی و هم از ارزیابی های کیفی استفاده می شود. همچنین اساتید در ارزشیابی های خود، به فرآیند، بیش از نتیجه توجه نشان می دهند. بنابراین ارزشیابی پست مدرن با دو مقوله ی فرعی "توجه به فرآیند و ارزیابی های کیفی" توانسته است در برنامه ی درسی دانشگاه نفوذ پیدا کند. نمونه هایی از نقل قول مصاحبه شوندگان در این زمینه آورده شده است.

"برای یک استاد، فرآیند کار دانشجو در طول یک ترم مهم ترین فاکتور ارزیابی هست. شاید پروژه ای که دانشجو شروع کرده به سرانجامی نرسد ولی فرآیند و تلاش و پشتکار او برای من مهم تر است. فعالیت های کلاسی، حاضر بودن دانشجو در کلاس ها و مشارکت او در بحث کلاسی بسیار مهم بوده و در ارزیابی ها تأثیر زیادی دارند" (عضو هیأت علمی شماره ۱).

"رشته های دانشگاهی مختلف، روش های ارزیابی متفاوت را می طلبد. رشته ی ما به گونه ای است که ارزیابی از مهارت های عملی و فنی گریزناپذیر است ولی به نظر می رسد با وجود تمام تحولات در نظام آموزشی و ارزیابی، هنوز ارزشیابی کمی حتی در دانشگاه حرف اول را می زند. هنوز امتحان و نمره در ارزشیابی ها بالاترین جایگاه را دارد و هنوز دانشجو برای نمره و مدرک گرفتن درس می خواند" (عضو هیأت علمی شماره ۸).

در پاسخ به سؤال سوم پژوهش، پژوهشگر پس از بررسی داده های حاصل از مصاحبه ها، به شش مضمون دست یافت که سه مضمون مربوط به معایب نفوذ پست مدرن و سه مضمون دیگر مربوط به مزایای نفوذ پست مدرن در برنامه درسی آموزش عالی ایران می باشد.

جدول شماره ۳: معایب و مزایای نفوذ پست مدرن در آموزش عالی ایران

مضامین مربوط به مزایا	مضامین مربوط به معایب
اشاعه فرهنگ‌ها	کثرت‌گرایی
توجه به تفاوت‌ها	شکاکیت نسبت به دین و اخلاق
پرورش نگاه انتقادی	پوچ‌گرایی

مضامین به‌دست‌آمده عبارتند از: "کثرت‌گرایی، پذیرش شکاکیت نسبت به دین و اخلاق و پوچ‌گرایی" به عنوان معایب پست مدرن و "اشاعه‌ی فرهنگ‌ها، توجه به تفاوت‌ها و پرورش نگاه انتقادی" به عنوان مزایای نفوذ پست مدرن در برنامه درسی آموزش عالی ایران، که در ادامه با ارائه‌ی چند نقل قول از مصاحبه‌شوندگان، به شرح این مضامین پرداخته شده است.

**معایب پست مدرن: الف) کثرت‌گرایی:** جزئی‌نگری و کثرت‌گرایی پست مدرنیسم، هرگونه وحدت و کلیت را نفی و امکان گفتگوی میان افراد و نقادی نظام‌ها را سلب می‌کند. به این معنا که قائل بودن به ایده‌ی تکثر اندیشه‌ها و صداها، هر چند نشانه‌ای از مردم‌سالاری است به همان نسبت احتمال پیدایش تفاهم بین نحله‌های فکری مختلف را کم می‌کند (باقری، ۱۳۷۵). "تکثرگرایی پست مدرن، در برنامه درسی دانشگاه تأثیر منفی بر جای می‌گذارد. این کثرت‌گرایی باعث پیدایش نظریه‌های ناسازگار بسیاری در برنامه درسی شده و در نتیجه نابسامانی و آشفتگی را در برنامه درسی آموزش عالی به دنبال خواهد داشت. کثرت‌گرایی پست مدرنیسم باعث می‌شود که برنامه درسی خاصی اصلاً وجود نداشته باشد و برنامه‌ی اجرایی، مبهم و گیج‌کننده خواهد بود" (عضو هیأت علمی شماره ۵).

**ب) پذیرش شکاکیت نسبت به دین و اخلاق:** نگرش فراروایتی پست مدرنیسم به دین و در نتیجه، ناسازگاری این طرز تلقی با دین و اندیشه‌های دینی (محمدی و عبدالکریمی، ۲۰۰۵)، موجب آن می‌شود که آرمان‌های مورد انتظار جامعه از نظام تعلیم و تربیت محقق نشود. پذیرش شکاکیت نسبت به دین و مسائل اخلاقی، موجب بی‌تفاوتی نسبت به وضعیت جامعه، پوچ‌گرایی، بی‌تفاوتی نسبت به مسائل سیاسی-اجتماعی و غیر ممکن ساختن ارزش‌گذاری‌های اخلاقی و زیبایی‌شناسانه می‌شود (مارش، ۲۰۰۹). "پست مدرن و برنامه‌ی درسی آن به همه چیز با دیده شک و انتقاد نگاه می‌کند. البته پرورش تفکر انتقادی بسیار خوب و ارزشمند است ولی در جایی که برنامه درسی پست مدرن حتی شکاکیت و نسبیّت‌گرایی را به حوزه دین و اخلاق می‌کشاند، خطر احساس می‌شود. به خصوص در یک کشور اسلامی مثل ایران و در عرصه-ی آموزش عالی، این امر خطرناک‌تر است. چرا که برنامه‌های درسی که در حوزه‌ی دین و اخلاق

<sup>1</sup> Marsh

عناصر برنامه درسی پست مدرن در آموزش عالی...

قرار دارند کمرنگ شده و بنیان جامعه و خانواده در معرض آسیب خواهد بود" (عضو هیأت علمی شماره ۷).

**ج) پوچ‌گرایی:** الگوی پست مدرنی برنامه درسی، اگر بتوان نام آن را الگو نهاد، غیرواقعی، آرمان‌گرا و غیرقابل کاربرد است و نامشخص است که چه کسی برنامه ی درسی، محتوای مواد آموزشی، فرایند ارزشیابی و سایر عناصر شکل‌دهنده‌ی کلاس درس را تهیه می‌کند؛ ضمن اینکه اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌ای که پیشنهاد می‌شود، مستلزم نیروهایی بسیار حرفه‌ای و آشنا با مضامین پست مدرنیسم، مطمئن، مبتکر و آماده مقابله با چالش‌هاست که دست یافتن به چنین کادری، اگر غیرممکن نباشد، بسیار دشوار است؛ چرا که این دیدگاه، برنامه‌ای تعریف نشده و نانوشته دارد و طرحی برای کار، تدریس یا فعالیت مدرس بر اساس ایدئولوژی خود ارائه نمی‌دهد (آیزنر، ۲۰۱۰). "پست مدرن و اندیشه‌هایش درست در نقطه‌ی مقابل مدرنیسم قرار دارد. پست مدرن و الگوی آن ساختارشکن است و همواره از دادن الگو اجتناب می‌ورزد. هیچ تعریفی از اهداف، آرمان، انسان کامل و غایت ندارد. در واقع به نظر می‌رسد پوچ‌گرایی را ترویج می‌دهد. اینکه در یک برنامه درسی نه هدف مشخص باشد، نه محتوا و نه روش‌های تدریس و ارزیابی، انسان را گیج و سردرگم می‌کند" (عضو هیأت علمی شماره ۲).

**مزایای پست مدرن: الف) اشاعه‌ی فرهنگ‌ها:** در واقع، از بین رفتن کلیت‌گرایی راه-گشای نگرش به دیگران و مهم دانستن دیگر فرهنگ‌هاست؛ به این معنی پست مدرنیسم با گوناگونی فرهنگی گره خورده است. جوهره اصلی اندیشه تنوع فرهنگی، پذیرفتن هویت و فرهنگ دیگر است، اگرچه خرده فرهنگ به شمار آید. بدین‌سان، فرهنگ خرد و ویژه، اهمیت بسیار می‌یابد و کثرت‌گرایی بر جامعه چیره می‌شود (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۸۳). از این‌رو، پست مدرنیست‌ها با تأکید بر تنوع، تکثر انشعاب؛ توجه به دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و گروه‌های مختلف انسانی و فرهنگی و تکثر موجود در جوامع، دفاع از مظلومان و ستمدیدگان، زنان، نژادهای اقلیت و ... را شعار خود قرار داده، با هرگونه مرکز‌گرایی، اقتدار‌گرایی و مرجعیت باوری مخالفت می‌ورزند (بیرمی‌پور، نصرآبادی و هاشمی، ۱۳۸۹). "یکی از امتیازات برنامه درسی پست مدرن، توجه آن به همه‌ی فرهنگ‌ها و اقلیت‌ها است. در برنامه درسی پست مدرن، محتوا و هدف برتر و ثابت وجود ندارد در نتیجه هر کلاس و هر دانشگاهی با توجه به فرهنگ، نیاز، آداب و رسوم دانشجویان خود برنامه درسی خود را طراحی می‌کند. پست مدرن به همه‌ی اقوام و فرهنگ‌ها احترام می‌گذارد و این در کشوری مثل ایران، بسیار مهم و ضروری به نظر می‌رسد" (عضو هیأت علمی شماره ۴).

<sup>1</sup> Eisner

**ب) توجه به تفاوت‌ها:** در زیر ساخت برنامه درسی پست مدرن، این نوع برنامه با کلیت مخالف بوده، یادگیری را منحصر به انتقال دانش نمی‌داند، برنامه درسی میان رشته‌ای است، هیچ هدفی را بهتر از اهداف دیگری نمی‌داند و تنها ملاک برتری را توجه به تفاوت، تنوع، ابهام و دیگری می‌داند (بیرمی پور و همکاران، ۱۳۸۹). "حسن برنامه درسی پست مدرن توجه به تفاوت-های فردی، فرهنگی، نژادی و دینی است. با نظر به اینکه جامعه‌ی ما متشکل از اقلیت‌های قومی، دینی و زبانی است؛ برنامه درسی اجرایی در نظام آموزشی آن، باید در محتوای برنامه درسی به این گوناگونی توجه داشته باشد. گنجاندن شرح مراسم، باورها و عناصر فرهنگی و هنری اقلیت-های گوناگون در متون درسی، گامی در راستای ارج نهادن به اقلیت‌هاست. بدین منظور برنامه درسی باید منعطف و حساس به تفاوت‌ها باشد" (عضو هیأت علمی شماره ۶).

**ج) پرورش نگاه انتقادی:** پرورش روحیه‌ی نقادی و انتقادگری در فراگیران، از آرمان-های پست مدرنیست‌هاست و آن را از تکالیف فراگیران تلقی می‌کنند (جیرو، پنا و پاینار، ۲۰۱۰). "اگر قرار بر این باشد که برنامه درسی را به سبک پست مدرن‌ها اجرا کنیم، باید دانشجویانی منتقد و خلاق تربیت کنیم. بایستی به دانشجویان، حق بیان نظر و عقایدشان را بدهیم. پست مدرن به همه‌ی عقاید و نظرات احترام می‌گذارد. باید قدرت تفکر انتقادی را در آنان تقویت کنیم و همچنین اساتیدی انتقادپذیر داشته باشیم. پست مدرن در کلاس درسی، چیزی را به دانشجو انتقال نمی‌دهد بلکه فقط همه چیز را با نگاه و تفکر انتقادی دانشجویان تحلیل می‌کند" (عضو هیأت علمی شماره ۸).

## بحث و نتیجه‌گیری

تعلیم و تربیت انسان‌ها و در پی آن، برنامه‌های درسی برای ایجاد تغییر و تحول در افراد به کار گرفته می‌شود. کمتر نظام تربیتی را می‌توان یافت که برای تربیت انسان‌ها کوشش کند ولی جهت‌گیری مشخصی در این راه نداشته باشد. برنامه‌های درسی به عنوان قلب نظام آموزش عالی، آشکارترین وجه اعلام پیام و عملیاتی‌ترین تدبیر نظام آموزشی برای مدیریت یادگیری فراگیران است (آیزنر، ۲۰۰۰) اما ساختار، منابع و سنت‌های مدرنیستی موجود، اهداف و فرآیندهای تغییر برنامه‌ی درسی را با محدودیت‌های خاصی روبه‌رو می‌کند. به همین دلیل دانشگاه‌ها برای رفع نیاز واقعی، نمی‌توانند از مطلوبیت لازم برخوردار باشند (قادری، ۱۳۸۹). در سال‌های اخیر چالش‌های زیادی پیش روی آموزش و پرورش قرار گرفته است که می‌توان به تغییر در نوع اقتصاد جوامع، ترکیب جمعیتی جوامع، فناوری اطلاعات و رشد سریع علمی در رشته‌های مختلف اشاره کرد. در این میان نظام آموزشی نیز از این تغییرات مستثنی نبوده است

<sup>1</sup> Giroux, Penna and Pinar



تا بتواند خود را با این تغییرات سازگار سازد به اعتقاد اغلب صاحب نظران، نظام آموزشی، کارایی لازم برای رسیدن به اهداف مدنظر را نداشته است (عابدینی علوی، نیلی احمدآبادی، نیستانی و لیاقتدار، ۱۴۰۰). پست مدرنیسم جریان فکری نسبتاً جدیدی است که همچون مدرنیسم در غرب مطرح و ضمن تحت تأثیر قرار دادن شئون مختلف زندگی و نهادهای اجتماعی بشر، از جمله تعلیم و تربیت، مباحثات و مجادلات گسترده‌ای را در محافل فکری و علمی موجب شده است. هدف پژوهش حاضر، بررسی نفوذ عناصر برنامه درسی پست مدرن در آموزش عالی ایران و سپس بررسی معایب و مزایای این نفوذ، از نظر اعضای هیأت علمی دانشگاه بود.

### **بررسی سؤال اول پژوهش (عناصر برنامه درسی پست مدرن کدامند؟):** در برنامه

درسی دربارهٔ اجزا یا عناصر برنامه درسی به هیچ روی میان صاحب‌نظران اتفاق نظر وجود ندارد ولی از اصلی‌ترین عناصر برنامه درسی می‌توان به چهار عنصر هدف، محتوا، روش و ارزشیابی اشاره کرد که محقق در این پژوهش نیز، همین چهار عنصر را مورد توجه قرار داده است. با توجه به یافته‌ها، می‌توان گفت که پست مدرنیست‌ها به تعیین اهداف مشخص و خاص، اعتقادی ندارند بلکه با تکیه بر نسبیت‌گرایی که یکی از ویژگی‌های پست مدرن است، اهداف، موقعیتی، زمانی و مکانی می‌شوند. محتوا و اطلاعات، جایگاه سنتی خود را از دست می‌دهد. موضوعات و محتوا ترکیبی است و این مسئله اجازه می‌دهد یادگیرنده در حوزه‌های محتوایی متفاوتی قرار گیرد. توجه به نیازها و علایق فراگیران در انتخاب محتوا نقش ویژه‌ای دارد و محتوای ثابت وجود ندارد. به زعم اسلتری، برنامه درسی در دوره پست مدرن تبدیل به نوعی چالش زیبایی‌شناختی و جستجو برای فهمی عمیق‌تر می‌شود که به عدالت، انصاف و پایداری بوم‌شناختی و محورهای بین‌مرکز و پیرامون منجر می‌شود. برنامه درسی باید فضایی ایجاد کند که در آن تمامی دانشجویان به متون و تفاسیر دسترسی داشته باشند. پست‌مدرنیسم موضع کلان و فرا روایتی برنامه درسی را نفی و از دیسپلین‌های علمی، تقدس‌زدایی می‌کند (اسلتری، ۲۰۱۳). با توجه به یافته‌ها، در این دیدگاه هم معلم و هم دانش‌آموز باید شیوه ساخت زدایی را پیشه کنند و قواعد و شیوه‌های آموزشی باید متناسب با جهان‌ها و دانش‌ها و فرهنگ‌های متکثر و متفاوت انتخاب شود. رشد خلاقیت، تفکر انتقادی و روش‌های مشارکتی و پژوهش‌محور از روش‌های مورد پسند پست مدرن است. ساختار شکنی پست مدرن، کار ارزشیابی را با مشکل روبه‌رو می‌کند؛ زیرا بر این اساس هیچ حقیقت مطلقی وجود ندارد. ارزشیابی کمی و نمره و امتحان جای خود را به معیارهای کیفی و عملی و خودارزیابی می‌دهد.

### **بررسی سؤال دوم پژوهش (آیا عناصر برنامه درسی پست مدرن در آموزش عالی ایران**

نفوذ داشته است؟): بررسی داده‌ها نشان داد که اهداف در برنامه درسی آموزش عالی ایران، ثابت و از قبل تعیین شده هستند، محتوا نیمه منعطف بوده، از روش‌های یاددهی-یادگیری مشارکتی و پروژه‌محور استفاده می‌شود و ارزشیابی نیز به شکل ترکیبی از روش‌های کیفی و کمی انجام

می‌گیرد. در نهایت با مقایسه‌ی این عناصر با ویژگی‌های عناصر پست مدرن به دست آمده در بخش اول، می‌توان به این نتیجه دست یافت که عناصر برنامه درسی پست مدرن در سه عنصر محتوا، روش‌های یاددهی-یادگیری و ارزشیابی در برنامه درسی آموزش عالی ایران، تا حدودی نفوذ کرده است ولی در عنصر اهداف نفوذ محسوسی نداشته است و این عنصر در آموزش عالی، شکل سنتی خود را حفظ کرده است.

**بررسی سؤال سوم پژوهش** ( نفوذ عناصر برنامه درسی پست مدرن در دانشگاه چه مزایا و چه معایبی به دنبال دارد؟):

روشن است که تعلیم و تربیت از جمله حوزه‌های معرفتی است که به علت ابتناء بر بنیادهای فلسفی، تحت تأثیر تفکرات پست مدرنیسم واقع شده است؛ اما چون پست مدرنیسم راهکارهای عملی چندانی برای این نظام ارائه و حتی تصویری از انسان ایده آل و مطلوب به دست نمی‌دهد، دستاوردهای آن - حتی در زادگاهش، مغرب زمین - کمتر واجد پیامدهای مثبت و مطلوب بوده است. لذا، سنخ‌شناسی این تأثیرها و مواجهه معقولانه با آن، به ویژه در بستر فرهنگی غیرغربی، نیاز به بررسی مکرر و فراگیر دارد. در حوزه برنامه درسی، این پارادایم ضمن به چالش کشاندن الگوی تایلری، به عنوان الگویی عام در تهیه و تدوین برنامه‌های درسی نظام‌های آموزشی، با ارائه مفاهیم و تعاریفی جدید، روح تازه‌ای در کالبد برنامه‌های درسی دمانده و آن را از حوزه‌های عملی و مکانیکی، به پدیده‌ای ملزم با فهم و تأمل بدل نموده است. هر چند نگاه جدیدی که این پارادایم به پدیده‌ها، از جمله پدیده برنامه درسی دارد، ارزشمند و در خور توجه است، اما از تأثیرهای مخرب آن نباید غافل بود. به اعتقاد منتقدان، هنجارشکنی، ساخت‌زدایی، شکاکیت و نسبی‌گرایی، نفی تقدس‌های اصیل و واقعی، سوق دادن جامعه به هرج و مرج، گرایش دادن انسان به پوچی و از خود بیگانگی و نیز نداشتن برنامه و الگویی عملی و قابل اجرا، از جمله نقاط ضعف و معضلات پیامدی پست مدرنیسم است. (امین خندقی و قادری، ۱۳۹۴). در پاسخ به سؤال سوم پژوهش، یافته‌ها نشان دادند که سه مضمون کثرت‌گرایی، پذیرش شکاکیت نسبت به دین و اخلاق و پوچ‌گرایی از معایب نفوذ عناصر برنامه درسی پست مدرن در آموزش عالی ایران بوده و سه مضمون اشاعه فرهنگ‌ها، توجه به تفاوت‌ها و پرورش نگاه انتقادی از مزایای آن می‌باشد.

هر چند پژوهش‌های اندکی در زمینه بررسی برنامه درسی پست مدرن در تعلیم و تربیت به خصوص در آموزش عالی انجام گرفته است اما برخی از پژوهش‌ها شباهت‌هایی با اهداف پژوهش حاضر دارند. رایت، مک دونالد و گروم (۲۰۱۶)، به این نتیجه رسیدند که در دانشگاه پست مدرن ارتقای سطح بر اساس اندازه کمی چون سال تحصیلی و پایه درسی نادیده گرفته

<sup>1</sup> Wright, Macdonald and Groom

می‌شود. استفاده از نتایج خودارزیابی و مشورت با هر یک از یادگیرندگان برای قضاوت نهایی درباره عملکرد هر یک از اعضای سیستم آموزشی، مورد توجه پست مدرن است. این نتایج با یافته‌های بخش اول پژوهش حاضر همسویی دارد. تائفو، لینی و لین‌یی (۲۰۱۴)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که تئوری‌های برنامه درسی پست مدرن، اصلاحات برنامه درسی در دانشگاه‌های چین، از جمله، کاهش شکاف بین برنامه‌های درسی و نیازهای اجتماعی را تا حد زیادی تحت تأثیر قرار داده‌اند. این یافته‌ها با نتایج بخش دوم پژوهش حاضر، که حاکی از نفوذ برنامه درسی پست مدرن در آموزش عالی است، مطابقت دارد. اسکات (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان پست مدرنیسم و دانشگاه، نفوذ پست مدرن و برنامه درسی آن را در آموزش عالی تأیید کرده و نشان داد که پست مدرن در سیستم آموزش عالی در حال رشد و گسترش است که این یافته‌ها نیز با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد.

یافته‌های پژوهش وفائی و همکاران (۱۳۹۶)، بیرمی‌پور و همکاران (۱۳۸۹)، کریمی و همکاران (۱۳۹۶) و فرخانی و همکاران (۱۳۹۵)، با نتایج بخش اول این پژوهش همسویی دارد. همچنین نتایج پژوهش دهبانی‌پور و همکاران (۱۳۹۵)، نشان داد که پست مدرن در زمینه‌ی فرهنگی با مؤلفه‌های مصرف‌گرایی، بازاندیشی و نسبی‌گرایی فرهنگی تا حدودی در جامعه جوانان رسوخ کرده است. تا کنون هیچ پژوهشی در ایران به بررسی مزایا و معایب نفوذ پست مدرن در آموزش عالی نپرداخته است و پژوهش حاضر از این نظر دارای امتیاز است. دال معتقد است نقطه قوت اصلی پست مدرنیسم در برنامه درسی، ایجاد دانش جدید و دگرگونی یادگیری است (استورور، ۲۰۰۹). نگاهی پدیدهای داشتن به برنامه درسی و تلاش در تبیین پدیده برنامه درسی با هدف به دست دادن درکی عمیق‌تر از آن ارزشمند و تأمل‌برانگیز است (والکر، ۲۰۱۰).

به نظر می‌رسد هنوز درک و شناخت کاملی از پست مدرنیسم و برنامه درسی آن حاصل نشده است. بایستی با درک عمیق‌تر زوایای پنهان برنامه درسی پست مدرن و دستاوردهای مثبت آن، آثار و تبعات سوء آن را به حداقل رسانید. آغوش گشودن مشتاقانه به پست مدرنیسم و روی خوش نشان دادن به پست مدرنیست‌ها، بی‌آن‌که تبعات ورود بی‌قید و شرط این مهمان و هوادارانش را از منظر فرهنگی، اندیشه‌ورزانه و اکاوی کنیم، راهی خردمندانه نیست و به قیمت فدا کردن باورها و هویت‌مان است. از سوی دیگر، رد و نفی تمام و کمال دستاوردهای پست مدرن به ویژه در بعد فنی و عملیاتی کاری خطاست (امین خندقی و قادری، ۱۳۹۴). با توجه به مزایای برنامه درسی پست مدرن و با عنایت به این نکته که یکی از اهداف آموزش عالی در کشور ما بحث اشتغال دانش‌آموخته‌هاست، اجرای برنامه درسی پست مدرن به خاطر منعطف بودن و

---

<sup>1</sup> Taifu, Linyi

<sup>2</sup> Stuever

<sup>3</sup> Walker

سازگاری آن با شرایط و امکانات بومی و منطقه‌ای می‌تواند معضل بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی را تقریباً رفع کند. چرا که پست مدرن با انتخاب روش‌های تدریس مشارکتی و ایجاد فرصت‌های یادگیری مناسب و مسئولیت دادن به یادگیرندگان، دانشگاه و برنامه درسی آن را از حالت تئوری مطلق، خارج و به سمت عملیاتی سوق می‌دهد. در این خصوص پیشنهاد می‌شود الگوی اجرایی برنامه درسی پست مدرن با در نظر گرفتن فرهنگ جامعه‌ی ایرانی، توسط متخصصان برنامه درسی، طراحی و اعتبارسنجی شود. همچنین باید پیش‌زمینه برای اجرای تدریجی برنامه درسی پست مدرن در نظام آموزش عالی، با کاستن از اقتدار برنامه درسی متمرکز و حرکت به سوی برنامه درسی غیر متمرکز، فراهم شود. از آنجا که اجرای دقیق برنامه درسی پست مدرن به طوریکه که معایب آن تا حد امکان کاهش یافته و مزایای آن نمود پیدا کند، نیاز به اساتیدی مجرب و آگاه با اعتماد به نفس بالا دارد، توصیه می‌شود دوره‌هایی آموزشی برای آشنایی اساتید با برنامه درسی پست مدرن و عناصر آن، توسط متخصصان این حوزه برگزار گردد.

## منابع

- Abedini alavi, H & Nili ahmadabadi, M & Neyestani, M & Liyaghatdar, M. (2021). Clarifying the goals of the curriculum based on teacher-researcher training at Farhangian University. *Scientific Journal of Education Technology*. 15(2). {in Persian}
- Ahanchiyan, M. (2003). *Education in postmodern conditions*. Tehran: Tahuri Publications. {in Persian}
- Aminkhandaghi, M & Ghaderi, S. (2015). *Postmodern Curriculum in the Critical Crucible*. Research paper on the basics of education. 5(1), 5-29. {in Persian}
- Bagheri, KH. (1996). *Education in the perspective of postmodernism*. *Psychology and Educational Sciences*. 10(17), 63-85. {in Persian}
- Banoobhai, M. (2012). *Critical reflection: tools for curriculum implementation and innovation*. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 47.
- Beyramipur, A & Bakhtiyar nasrabadi, H & Hashemi, S. (2010). *Postmodernism and curriculum reforms*. *New educational approaches*. 5(1). 31-65. {in Persian}
- Cooper. H, Hedges.L.V, Jeffrey.G.V. (2009). *The handbook of research synthesis and Meta-Analysis*, second edition, ISBN: 978-0-87154-163-5.
- Dehbanipur, R & Khorrampur, Y. (2016). *Investigating the components of postmodernism and its related factors (case study: youth of Yazd)*. *Quarterly journal of socio-cultural development studies*. 4(4), 53-77. {in Persian}
- Eisner, E. W. ( 2000). *Those who ignore the past 12 'easy' lessons for the next millennium*. *Journal of Curriculum Studies*,32(2), 343-357.
- Eisner, E. (2010). *The Educational Imagination*. (Gh. Khoyneshad & M. Mehrmohammadi, Trans.) In Mehrmohammadi & colleagues. *Curriculum: Theories, Aproaches and Prespectives (2ed edition)* (pp. 112-147). Tehran, SAMT & Mashhad, Behnash Press. (In Persian)
- Farmahini farahani, M. (2004). *Postmodernism and education*. Tehran: Ayineh publication. {in Persian}

Ghaderi, M. (2010). Thinking about a solution to the problem of the destruction of choice in the curriculum of postmodernism. *New educational ideas*. 5(2). {in Persian}

Giroux, H., Penna, A., & Pinar, W. (2010). *Curriculum and Instruction*. (M. Sharif, Trans.) In M. Mehrmohammadi & colleagues. *Curriculum: Theories, Approaches and Perspectives* (2ed edition) (pp. 61-72). Tehran: SAMT & Mashhad, Behnashr Press. (In Persian)

Graig Kridel. (2010). *Encyclopedia of Curriculum Studies*, Sage publication Inc.

Harkin, J. (1998). *In Deffence of The Modarnist project In Education*, Journal of Education studies.

Karimi, M & Naderi, E & Seyf naraghi, M. (2017). Postmodern curriculum model and its application in Iran's nursing education system (model design and evaluation). *Journal of nursing education*. 6(3). {in Persian}

Lindstrom, M. (2020). *The COVID-19 pandemic and the Swedish strategy: Epidemiology and postmodernism*. Social Medicine and Health Policy, Department of Clinical Sciences in Malmo, Lund University, S-205 02, Malmo Sweden. journal homepage: <http://www.elsevier.com/locate/ssmph>.

Lyotard, J, F .(1984). *The post modern condition: AReport on knowledge*, Manchester university.

Marzughi, R. (2016). Postmodernism and curriculum. *Iranian encyclopedia of curriculum*. Axis 8: theories and views. {in Persian}

Macdonald, D. (2003). *Curriculum change and the post- modern world*: Is the school curriculum-reform movement an anachronism? OP-ED. *Journal of Curriculum Studies*, 35(2), 37-41.

MacGregor, S. (1992). *Postmodernism, art education and art educators*. ERIC digests.

Marsh, C. J. (2009). *Key Concepts for Understanding Curriculum*. London: Taylor & Francis Routledge.

Mohammadi, M. A., & Abdolkarimi, B. (2005). *We and Post Modernism: Critique and review of Postmodernism Discours*. Tehran: Jahad Daneshgahi's Institute of Humanities and Social Studies. (In Persian)

Mostafa farkhani, M & Rajabpur farkhani, S & Rajabpur farkhani, M. (2016). Explaining the characteristics of postmodernism higher education curriculum and criticizing it based on the opinions of Islamic thinkers (with emphasis on Tabatabai's opinions). International conference of psychology, educational and behavioral sciences. 12 & 13 July 2016, Tehran. {in Persian}

Pinar, W. (1996). *Understanding curriculum*. New York: Peterlang Publishing, Inc.

Rabbani, R & Badri, E. (2008). Analysis of postmodern educational perspectives. Islamic Revolution research journal. 7(15), 35-59. {in Persian}

Scott, P. (2012). *Postmodernity and the university*. <https://www.researchgate.net/publication/274016226>.

Shekari, A & Ahmadabadi arani, N & Fattahi, N. (2014). Border education and training with an emphasis on the educational implications of Giro's art in educational developments. Research paper on the basics of education. 4(1). {in Persian}

Slattery, P. (2006). *Curriculum development in the postmodern era*. New York: Garland.

Slattery, P. (2013). *Curriculum Development in the Postmodern Era: Teaching and Learning in an Age of Accountability*. New York: Routledge.

Sohrabi, O & Zeynalipur, H & Hemmati, A & Samavi, A. (2021). Presenting the proposed model of the communication of uncertainties in the fields related to the curriculum of higher education. Research in curriculum planning. 2(41). {in Persian}

Stuever, N. L. (2009). *Review Article: A post-modern perspective on curriculum*. Journal of Teaching and Learning. 6(1). 87-90.

Taifu, Lv. Linyi University, Linyi .Shandong. (2014) *The research on Chinese college curriculum reform based on post-modern curriculum theories*. 2nd International Conference on Education Technology and Information System (ICETIS).

Vafayi, R & Maleki, H & Alipur, M. (2017). Investigating the position of curriculum elements in the postmodern perspective and criticizing it from the

perspective of the basics of Islamic education. *Research in Islamic education issues*. 25(35), 69-90. {in Persian}

Walker, D. F. (2010). *Curriculum theory is many things to many people*. (H. AmirTaimori, Trans.) In Mehrmohammadi & colleagues. *Curriculum: Theories, Approaches and Perspectives* (2ed edition) (pp. 84-95). Tehran, SAMT & Mashhad, Behnash Press. (In Persian)

Wright J, Macdonald D, Groom L. (2016). *young people and therein gagement in physical culture*. *Sport, education and society*. *J Philos Educ*. 2016, 8(1): 17-43

Banoobhai, M. (2012). *Critical reflection: tools for curriculum implementation and innovation*. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 47.

Cooper. H, Hedges.L.V, Jeffrey.G.V. (2009). *The handbook of research synthesis and Meta-Analysis*, second edition, ISBN: 978-0-87154-163-5.

Eisner, E. W. ( 2000). *Those who ignore the past 12 'easy' lessons for the next millennium*. *Journal of Curriculum Studies*,32(2), 343-357.

Eisner, E. (2010). *The Educational Imagination*. (Gh. Khoyneshad & M. Mehrmohammadi, Trans.) In Mehrmohammadi & colleagues. *Curriculum: Theories, Approaches and Perspectives* (2ed edition) (pp. 112-147). Tehran, SAMT & Mashhad, Behnash Press. (In Persian)

Giroux, H., Penna, A., & Pinar, W. (2010). *Curriculum and Instruction*. (M. Sharif, Trans.) In M. Mehrmohammadi & colleagues. *Curriculum: Theories, Approaches and Perspectives* (2ed edition) (pp. 61-72). Tehran: SAMT & Mashhad, Behnashr Press. (In Persian)

Graig Kridel. (2010). *Encyclopedia of Curriculum Studies*, Sage publication Inc.

Harkin, J. (1998). *In Deffence of The Modarnist project In Education*, *Journal of Education studies*.

Lindstrom, M. (2020). *The COVID-19 pandemic and the Swedish strategy: Epidemiology and postmodernism*. *Social Medicine and Health Policy*, Department of Clinical Sciences in Malmo, Lund University, S-205 02, Malmo Sweden. journal homepage: <http://www.elsevier.com/locate/ssmph>.



Lyotard, J. F. (1984). *The post modern condition: A Report on knowledge*, Manchester university.

Macdonald, D. (2003). *Curriculum change and the post- modern world*: Is the school curriculum-reform movement an anachronism? OP-ED. *Journal of Curriculum Studies*, 35(2), 37°41.

MacGregor, S. (1992). *Postmodernism, art education and art educators*. ERIC digests.

Marsh, C. J. (2009). *Key Concepts for Understanding Curriculum*. London: Taylor & Francis Routledge.

Mohammadi, M. A., & Abdolkarimi, B. (2005). *We and Post Modernism: Critique and review of Postmodernism Discours*. Tehran: Jahad Daneshgahi's Institute of Humanities and Social Studies. (In Persian)

Pinar, W. (1996). *Understanding curriculum*. New York: Peterlang Publishing, Inc.

Scott, P. (2012). *Postmodernity and the university*. <https://www.researchgate.net/publication/274016226>.

Slattery, P. (2006). *Curriculum development in the postmodern era*. New York: Garland.

Slattery, P. (2013). *Curriculum Development in the Postmodern Era: Teaching and Learning in an Age of Accountability*. New York: Routledge.

Stuever, N. L. (2009). *Review Article: A post-modern perspective on curriculum*. *Journal of Teaching and Learning*. 6(1). 87-90.

Taifu, Lv. Linyi University, Linyi .Shandong. (2014) *The research on Chinese college curriculum reform based on post-modern curriculum theories*. 2nd International Conference on Education Technology and Information System (ICETIS).

Walker, D. F. (2010). *Curriculum theory is many things to many people*. (H. AmirTaimori, Trans.) In Mehrmohammadi & colleagues. *Curriculum:*

Theories, Approaches and Perspectives (2ed edition) (pp. 84-95). Tehran, SAMT & Mashhad, Behnash Press. (In Persian)

Wright J, Macdonald D, Groom L. (2016). *young people and therein gagement in physical culture*. Sport, education and society. J Philos Educ. 2016, 8(1): 17-34.